

یکشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۹۱ • ۹

روزنامه		
جهان		
گورکنان سرمایه‌داری؛ مقاله‌ای از آلن میک‌سینزوود		صفحه ۱۰
درباره انقلابی که جهان را واقعا جهانی کرد		صفحه ۱۰
خیابان‌هایی که دفن شدند و زیر خاک رفتند		صفحه ۱۲

نگاه
«داعش» تهدید یا فرصتی برای اسرائیل
نوژن اعتضادالسلطنه

از زمان سقوط «موصل» به‌دست داعش در ژوئن سال ۲۰۱۴ میلادی به این‌سو، شک و تردیدها دربارهٔ نسبت داعش و رژیم اسرائیل مطرح بوده است. «فیدل کاسترو»، رهبر انقلاب کوبا، در سپتامبر همان سال مוסاد را صحنه‌گردان اصلی اقدامات داعش قلمداد کرده بود. عده‌ای نیز این دیدگاه را نوعی باور به «تنوری توطئه» خواندند. فارغ از صحت هر یک از دو دیدگاه، پرسش‌های اساسی بر سر جای خود باقی مانده‌اند: چرا داعش علیه رژیم اسرائیل دست به حمله‌ای گسترده زنده است؟ آیا آن گروه تهدیدی واقعی علیه رژیم اسرائیل محسوب می‌شود؟

نگاهی به بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و نشریات نشان می‌دهد که آن گروه موضع خود را در قبال رژیم اسرائیل که از آن تحت عنوان «دولت یهودی» یاد می‌کند، به‌طور آشکار بیان کرده است. پیام اخیر «ابوبکر البغدادی»، خلیفه خودخوانده داعش، نشان داد که تهدید این گروه علیه رژیم اسرائیل وارد فازی تازه و جدی شده است. او خطاب به اسرائیلی‌ها گفت: «ما لحظه‌به‌لحظه به شما نزدیک‌تر می‌شویم، گمان نکنید که شما را فراموش کرده‌ایم. خدا باعث شد تا تمام یهودیان در اسرائیل گردهم آیند و جنگ علیه آنان آسان‌تر شود». بغدادی در پایان اشاره کرد که فلسطین به قبرستان یهودیان تبدیل می‌شود. او در بخش دیگری به روایتی دینی اشاره کرد: «خدا شما را در فلسطین جمع کرده تا مجاهدان به شما زودتر برسند و شما پشت درختان و سنگ پنهان شوید». جالب آنکه داعش در نشریه سازمانی خود، «دابق»، نیز پیش‌تر دربارهٔ پنهان‌شدن یهودیان پشت درختان نوشته بود. اشاره داعش و رهبر آن به درخت «قرقه» است که

اشاره به حدیثی از پیامبر اسلام(ص) دربارهٔ آخرالزمان و نقش این درخت بی‌ثمر در مناطق گرمسیری دارد که عمداً در فلسطین می‌روید و در عهد عتیق هم آمده است. طبق آن روایت، مسلمانان با یهودیان می‌جنگ تا حدی که یهودیان پشت سنگ‌ها و درختان پنهان شوند و درخت «قرقه» که به مسلمان می‌گوید که یک یهودی پشت من است و بیا او را بکش، چراکه آن درخت، درخت پهود است». داعش در همان شماره اشاره می‌کند که قتل‌عام علیه مسلمانان در غزه از سوی رژیم اسرائیل علیه زنان و کودکان محکوم است و موضع آنان نه «سخنی خشک و خالی» و «ریاکاران» شبیه دولت‌های عربی، سازمان ملل و اتحادیه عرب، بلکه صمدلی قاطع است. دابق در پایان اشاره می‌کند که تنها موضوع بر سر زمان و صبر و شکیبایی برای فرارسیدن آن و حرکت به‌سوی فلسطین برای جنگ با «یهودیان وحشی» و کشتن آنان است. داعش همچنین در نشریه خود دربارهٔ علت قبول‌نداشتن پرچم فلسطین نیز توضیح داده که از دید آن گروه دولت یهودی با کمک متجاوزان بریتانیایی تشکیل شد و از طریق روابط صلیبیون و یهودیان و خودپروان‌سازی حاکمان مرتد عرب بود که یهودیان را اعراب سلطه یافتند. داعش پرچم کنونی فلسطین را نمادی از دوران معاهده سایکس پیکو می‌داند و آن را عامل اصلی تفرقه سرزمین‌های مسلمان از طریق ایجاد دولت‌های مل‌گرا و «اعلامیه ننگین» بالفور توسط صلیبی‌ها قلمداد کرده که «پشت‌پرده» تأسیس دولت یهودی بوده‌اند. داعش دربارهٔ مسائل روز و برداشت خود از ارتباط رژیم اسرائیل با آن، نیز به‌طور واضح موضع خود را بیان می‌کند. «داعش همچنین در قبال گروه‌های مختلف فلسطینی نیز تمامی آنان را رد و خود را بدیل فلسطینیان معرفی می‌کند. داعش در نقد گروه‌های متنوع فلسطینی به‌خصوص حماس، ضمن «ملی‌گرا»خواندن آن گروه و مذموم‌دانستن این موضوع ادعا می‌کند که پذیرش دموکراسی از سوی آن گروه فلسطینی سبب شده تا جهاد علیه یهودیان به نتیجه‌ای نرسد. داعش می‌تواند یک تهدید جدی امنیتی برای رژیم اسرائیل باشد. حضور گروه‌های سلفی نزدیک به داعش در شبه‌جزیره سینا در مرز سرزمین‌های اشغالی یک تهدید است. علاوه‌برآن در داخل فلسطین نیز گروه‌هایی از جمله «انصار بیت‌المقدس»، «انصارالجهاد» و «جیش الاسلام» با داعش بیعت کرده‌اند که خود در درگیری مستقیم با جنبش «حماس» به‌سر می‌برند و تهدیدی مشترک علیه حماس و رژیم اسرائیل محسوب می‌شوند. بااین‌حال، تهدید اصلی از جانب داعش علیه رژیم اسرائیل می‌تواند از بلندی‌های جولان باشد که دولت «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه، کنترل چندانی بر آن ندارد. همچنین راییابی داعش به اردوگاه فلسطینیان «یرموک» نیز رنگ خطری برای رژیم اسرائیل بود. رویکرد داعش در قبال رژیم اسرائیل مشابه همان رویکردی است که «ایمن الظواهری» و «عبدالله غزام»، رهبران اصلی «القاعده»، اتخاذ کرده بودند. غزام در مقدمه خاطرات فلسطین اشاره می‌کند که قصه خون در کابل، همان داستان جنگ در فلسطین است و از لزوم جهاد در وقت مناسب علیه یهودیان می‌گوید. ظواهری نیز باور دارد که از زمان سقوط خلافت، اشغال فلسطین توسط بریتانیا و روی‌کارآمدن حاکمان سکولار عوامل اصلی سلطه رژیم اسرائیل بوده‌اند. تفاوت داعش با القاعده تنها در تغییر اولویت‌هاست. داعش مبارزه با دشمن نزدیک (طاغوت عرب و شیعیان) را به دشمن دور یعنی آمریکا و رژیم اسرائیل ارجحیت داده است. بااین‌حال، موضع‌گیری اخیر بغدادی نشان می‌دهد که شکست در جبهه نبرد زمینی در عراق و سوریه، آن گروه را مجبور به تغییر جبهه و تهدید رژیم اسرائیل کرده است؛ همان‌گونه که «اسامه بن‌لادن»، رهبر سابق القاعده، معتقد بود که جابه‌جایی تاکتیکی هدف قراردادن آمریکا و رژیم اسرائیل انتقال از واجبی به واجب دیگر است وگرنه در اصل قضیه که همانا لزوم نابودکردن هردوست، خللی ایجاد نمی‌شود. دسته‌بندی دشمنان تحت عناوین یهودیان، صلیبی‌ها، رافضی‌ها، سکولارها، بی‌خدایان (اتئیست‌ها که عمداً اشاره به گروه کردی «پ‌ک‌ک» دارد) و مرتدان از سوی داعش نشان می‌دهد که تهدید داعش علیه تمام گروه‌های ذکرشده در هر نقطه‌ای از جهان واقعی است.

یکشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۹۱ • ۹

روزنامه		
جهان		
گورکنان سرمایه‌داری؛ مقاله‌ای از آلن میک‌سینزوود		صفحه ۱۰
درباره انقلابی که جهان را واقعا جهانی کرد		صفحه ۱۰
خیابان‌هایی که دفن شدند و زیر خاک رفتند		صفحه ۱۲

یادداشت
خودزنی آل سعود

با وجود منافع مشترک متعدد و آشکار، عربستان‌سعودی دیگر یکی از متحدان قابل‌اعتماد برای آمریکا محسوب نمی‌شود. واقعیت این است که عربستان‌سعودی اخیراً کمک کرده تا بهای نفت پایین نگه داشته شود و این اقدام به تضعیف اقتصادهای روسیه و ایران کمک می‌کند.

عربستان‌سعودی و آمریکا موافقت‌که «بشار اسد» نباید به‌عنوان رئیس‌جمهور سوریه به فعالیت‌های خود ادامه دهد و هردو از «عبدالفتاح السیسی»، رئیس‌جمهوری مصر، حمایت می‌کنند؛ آمریکا با وجود گرایش‌های مستبدانه سیسی، از او حمایت و عربستان هم به‌خاطر همین گرایش‌ها از او پشتیبانی می‌کند.

مصر و عربستان‌سعودی قدرت‌های موجود در حوزه خلیج فارس هستند و سعودی‌ها حضور نظامی آمریکا در این منطقه را نیز تسهیل می‌کنند.

اگرچه آنها منافع مشترک بسیاری دارند اما عربستان‌سعودی با حمایت و تأمین مالی نوعی بنیادگرایی خاص تهدیدی نه‌تنها برای آمریکا بلکه برای ثبات کل جهان محسوب می‌شود. اما اعدام «شیخ نمر النمر»، یکی از روحانیون شیعه مخالف در عربستان‌سعودی که تهدیدی برای پادشاهی این کشور نبود و اعدامش باعث خشم و ناراحتی ایرانی‌ها شد، اقدامی صرفاً برای متزلزل‌کردن تلاش‌های بین‌المللی برای حل درگیری‌ها در سوریه و یمن بود. البته اعدام مخالفان سیاسی و مذهبی در عربستان‌سعودی صورت می‌گیرد اما این اعدام در کنار حمایت و تأمین مالی افراط‌گرایان توسط سعودی‌ها، تهدیدی نه‌تنها برای آمریکا بلکه برای ثبات کل جهان محسوب می‌شود.

قابل درک است که یک عربستان‌سعودی خودسرتر به تدریج در منطقه پرمعدانر نیز می‌شود. اما عربستان ثابت نکرده

که می‌تواند از قدرت روبه‌افزایش خود علاقتنه و هوشمندانه استفاده کند و این عدم توانایی را با بمباران بی‌پروای اهداف غیرنظامی در جنگ داخلی یمن نشان داده است. اگرچه در این خصوص کشورهای دیگری به‌ویژه ایران مسئولیت بیشتری نسبت به ریاض دارند و این مسئله به واشنگتن قدرت نفوذ در عربستان را می‌دهد. اگر چه ممکن است عربستان‌سعودی به‌دنبال پایان حمایت از بنیادگرایی اما در آخر این اقدامات به ضرر خودش تمام می‌شود و تهدیدی برای خود عربستان، برای آزادی سیاسی و مذهبی بیشتر در داخل این کشور، برای بهبود اختلافات رو به رشد میان سنی‌ها و شیعیان و برای اعمال عقلاانه‌تر قدرت منطقه‌ای‌اش محسوب می‌شود.

این اهرم فشاری است که آمریکا نباید در استفاده از آن تردید کند. منبع: **نیویورک تایمز**



«عبد اللطیف شنر»، معاون مستعفی «رجب اردوغان»، در گفت‌وگو با «شرق»:

ترک‌ها از ترس ترور به «عدالت و توسعه» رأی دادند

زینب اسماعیلی

می‌دهد تا آن حزب به‌عنوان یک حزب مقتدر حکومت تشکیل دهد. وقتی هم در تشکیل حکومت، حزب «حرکت ملی» ترکیه خود را کنار کشید و فرمول‌ها را قبول نکرد، مردم در انتخابات دوم به آن رأی کمتری دادند. حزب «دموکراتیک خلق‌ها» هم در انتخابات دوم ریزش رأی داشت، به خاطر اینکه بعد از انتخابات اول عملیات تروریستی پاک‌ک تشدید شد. این حزب در افکار عمومی ترکیه به‌عنوان حزبی شناخته می‌شود که با پاک‌ک ارتباط دارد. حتی رأی‌دهندگان کرد هم به این حزب رأی ندادند. به این خاطر که از ناامنی خوششان نمی‌آید.

حزب «جمهوری خلق» هم به‌عنوان نماینده قشر لائیک مطرح است و معمولاً رأی‌دهندگان اسلام‌گرا مخالف این حزب هستند. رأی این حزب در انتخابات اول و دوم یکسان بود و هرچقدر هم سیاست‌های مناسب و خوبی را در پیش بگیرد معمولاً میزان آرای آن تغییر نمی‌کند. با این توضیحات ریزش آرای این دو حزب باعث شد که آرای آنها به سید عدالت و توسعه برسد و باعث پیروزی این حزب شود. البته به‌جز این احزاب، ما احزاب کوچک‌تری هم داریم که با بیش از ۳/۵ درصد آرا نتوانستند نماینده به مجلس بفرستند و دودرصد آرای این احزاب کوچک هم به سید اکبارتی رفت. یعنی کابوسی که بعد از انتخابات اول ایجاد شد باعث شد که رأی‌دهندگان برای اینکه حکومتی تشکیل شود که امنیت آنها را تأمین کند اکپارتی را انتخاب کنند.

ک‌خودتان هم مجبور شدید به این حزب رأی بدهید؟

من تا روز انتخابات نمی‌دانستم به کدام حزب رأی بدهم. اعتقاد من این است که احزاب ترکیه از همدیگر خیلی فاصله گرفته‌اند. حتی کار به جایی رسیده است که طرفداران احزاب نسبت به طرفداران احزاب دیگر حالت نفرت پیدا کرده‌اند، یعنی این احزاب چنین حسی را در طرفدارانشان القا کردند و من این را خیلی خطرناک می‌بینم. نسخه و راهکاری که به نظر خودم رسیده این است که حکومتی متشکل از دو قطب مخالف و به‌صورت اشتراکی تشکیل شود که رأی‌دهندگان در حزب هم به همدیگر نزدیک شوند.

من الان دوسال است که می‌خواهم با ایران تجارت کنم ولی هنوز نتوانسته‌ام یک کیلوگرم کالای ایرانی بخرم یا یک کیلوگرم کالای ترک به ایران بفروشم. چندبار به ایران سفر داشتم ولی هیچ حاصل و نتیجه‌ای نداشته هزینه‌های زیادی هم پرداخت شده است و تنها چیزی که توانستم کسب کنم آشنایی بیشتر و بهتر با مردم و کشور ایران است

ک‌یعنی دولت ائتلافی؟

بله، یکی از مهم‌ترین مسائلی که درد بزرگی برای ترکیه شده، مسئله سوریه است. تحلیل من این است که تشکیل دولت ائتلافی باعث تعدیل و اصلاح سیاست خارجی می‌شود.

ک‌تغذیت که شما به کدام حزب رأی دادید.

با این توصیفات که گفتم تصمیم گرفتم که به حزبی به‌جز اکپارتی رأی بدهم، حتی با لحاظ این شرط که اگر احزاب دیگر ارزش رأی‌دادن ندارند بازهم باید به یک حزب دیگر رأی داد. در خانواده خود ما شش رأی داریم که هیچ‌کدام به سید اکپارتی نرفت. در انتخابات دوم که اخیراً برگزار شد، هم آنهایی که به اکپارتی رأی دادند و هم آنهایی که رأی ندادند حق دارند. من به اکپارتی رأی ندادم به خاطر آن تحلیل‌هایی که گفتم و منفعتی که در رأی‌ندان به این حزب می‌دیدم؛ یعنی تشکیل دولت ائتلافی برای تعدیل سیاست‌های خارجی فعلی.

ک‌شما بارها در رسانه‌های ترکیه در نقد اکپارتی و نقد عملکرد دوست سابقتان، آقای اردوغان، سخن گفتید، اما نتیجه انتخابات نشان می‌دهد که نتوانستید مردم ترکیه را قانع کنید که به اکپارتی رأی ندهند و در این راه شکست خوردید. برنامه‌تان بعد از این شکست چیست؟ اکپارتی تا چه زمانی می‌تواند ناامنی ایجاد کند تا مردم ترکیه به این حزب رأی بدهند؟

به نظر من پیروزی یا شکست این نیست که حتما انتخاب بشویم و دولت تشکیل بدهیم. من زمانی معاون نخست‌وزیر ترکیه بودم و با انتخاب خودم از این مقام استعفا دادم و در انتخابات شرکت نکردم. خیلی از شهروندان ترکیه وقتی من را می‌بینند می‌گویند باختیم، اما من می‌خندم.

عبد اللطیف شنر، معاون سابق «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه که جزء مؤسسان حزب «عدالت و توسعه» هم هست، حالا انتقادهای بسیاری به ترکیه دارد. عمده انتقادهای را به سیاست خارجی آنکارا مرتبط می‌داند که موضوع سوریه در آن نقش محوری دارد. او اکنون تاجری است که از دور بازار داغ سیاست را نظاره می‌کند اما از پیچیدگی‌های آن غافل نیست. در گفت‌وگویی با او به انتخابات ترکیه و تحلیل آنچه در این کشور می‌گذرد، پرداختیم.

ک‌ترکیه در ماه‌های اخیر اتفاقات زیادی را در فضای سیاسی‌اش از سر گذرانده است، به نظر شما که سال‌ها در کنار آقای اردوغان بوده‌اید، این فضای سیاسی به چه سمتی پیش می‌رود؟

ترکیه در ماه‌های اخیر دو انتخاب را پشت‌سر گذاشت. هر دو هم برای مشخص‌کردن و تعیین حکومت در ترکیه بود. انتخابات اول در ماه ششم سال ۲۰۱۵ میلادی و انتخابات دوم هم در ماه یازدهم بود. چون در انتخابات اول هیچ حزبی نتوانست اکثریت مطلق را برای تشکیل حکومت و کابینه به دست آورد. حزب «عدالت و توسعه» هم اکثریت را از دست داد و نتوانست حکومت را تشکیل دهد. اما سه حزب دیگری که در انتخابات اول همراه با «عدالت و توسعه» رأی آورده بودند بعد از انتخابات اشتباهات زیادی مرتکب شدند تا در مجلس امکان تشکیل حکومت فراهم نشود. این یک کابوس سیاسی برای کشور و مردم بود. بعد از آن وقایع و اقدامات تروریستی در ترکیه اتفاق افتاد. از یک طرف حزب «کارگران کردستان» (پ‌ک‌ک) و از طرف دیگر داعش عملیات خود را تشدید کردند. از طرف دیگر، ترکیه دچار مشکلات اقتصادی شد که تا الان ادامه دارد. بنابراین رأی‌دهندگان دیدند که اگر یکپارچه رأی ندهند کابوس مشکلات اقتصادی و ترورها ادامه خواهد داشت و به‌خاطر ترس از این کابوس رأی دادند. تنها حزبی هم که می‌توانست به صورت یک‌تنه اکثریت را کسب کند عدالت و توسعه بود. با این طرز نگاه رأی‌دهندگان، عدالت و توسعه توانست رأی اکثریت را بگیرد. الان در ترکیه بیشتر از حزب حاکم، این اپوزیسیون است که مشکل دارد.

ک‌درگیری‌هایی که در فضاهای عمومی ترکیه رخ داد، چقدر ریشه واقعی داشت؟ برخی معتقدند خلاف آنچه گفته می‌شد، این اتفاقات کار گروه تروریستی «داعش» نیست.

برخی از انفجارها کار داعش بود. به‌طوریقین هم ثابت شد که بمب‌گذار ایستگاه راه‌آهن مرکزی آنکارا، که باعث کشته‌شدن ۱۰۲ نفر از شهروندان ما شد، وابسته به داعش بوده است. انفجار شهر «سوروج» که در آن حدود ۳۰ نفر کشته شدند هم کار داعش بود. در کنار این وقایع هم عملیات‌های پاک‌ک شروع شد که بیشترین کشته‌ها در این درگیری‌ها پلیس‌ها بودند. ما در ترکیه با عملیات‌های تروریستی دو گروه مواجه هستیم. کارشناسان تروریسم همیشه این جمله را تکرار می‌کنند که مهم نیست کدام عملیات را کدام گروه تروریستی انجام داده است. چیزی که مشخص است قدرت‌های بزرگ دنیا در راستای منافع خودشان از این گروه‌های تروریستی استفاده می‌کنند. درست است که این بمب‌ها برای داعشی است، ولی مهم‌تر این است که چه کسانی داعش را هدایت کردند که به این نقطه بیایند و در زمان خاصی بمب منفجر کند. البته در کنار این قدرت‌ها این احتمال هست که در داخل کشور ترکیه هم برخی مراکز قدرت از این گروه‌های تروریستی برای رسیدن به منافع خودشان استفاده کنند. چیزی که الان مشخص نشده این است که نمی‌دانیم پشت این قضیه چه قدرت‌ها و چه گروه‌هایی دست دارند. البته ما تحلیل‌هایی داریم که این بمب‌گذاری‌ها ممکن است برای تأثیر در نتیجه انتخابات ترکیه بوده باشد. ولی از لحاظ شخصی خودم از درستی این تحلیل‌ها مطمئن نیستم.

ک‌شما به ضعف عملکرد بقیه احزاب ترکیه در رأی‌آوری دوباره عدالت و توسعه اشاره کردید. چقدر این نقش بزرگ بود؟ در حقیقت، احزاب مقابل این حزب چقدر قابلیت جذب رأی مردم را داشتند؟

اگر بخواهیم قابلیت احزاب رقیب «اک‌پارتی» (عدالت و توسعه) را نگاه کنیم، نمود آن را می‌توانیم در انتخابات اول ببینیم که نهایتاً نتوانستند جلوی اکثریت‌یافتن اکپارتی را بگیرند. یکی از احزاب مخالف اکپارتی بعد از انتخابات اول هیچ‌کدام از فرمول‌های تشکیل حکومت را قبول نکرد و از مسئولیت‌پذیری فرار می‌کرد و همین رفتارش باعث شد که آرای آن در انتخابات دوم به نسبت انتخابات اول پایین‌تر بیاید. این حزب، یکی از سه حزب مخالف حزب حاکم بود. رأی‌دهنده، رأی خود را به یک حزب